

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



MRTsoft



دانشگاه باقر العلوم

رساله دکتری تخصصی

رشته مدرسی معارف (مبانی نظری اسلام)

نقد و بررسی «جامعه باز» پوپر و مبانی معرفتی آن

استاد راهنما: حجت الاسلام و المسلمین دکتر پارسانیا

استاد مشاور: حجت الاسلام و المسلمین دکتر قمی

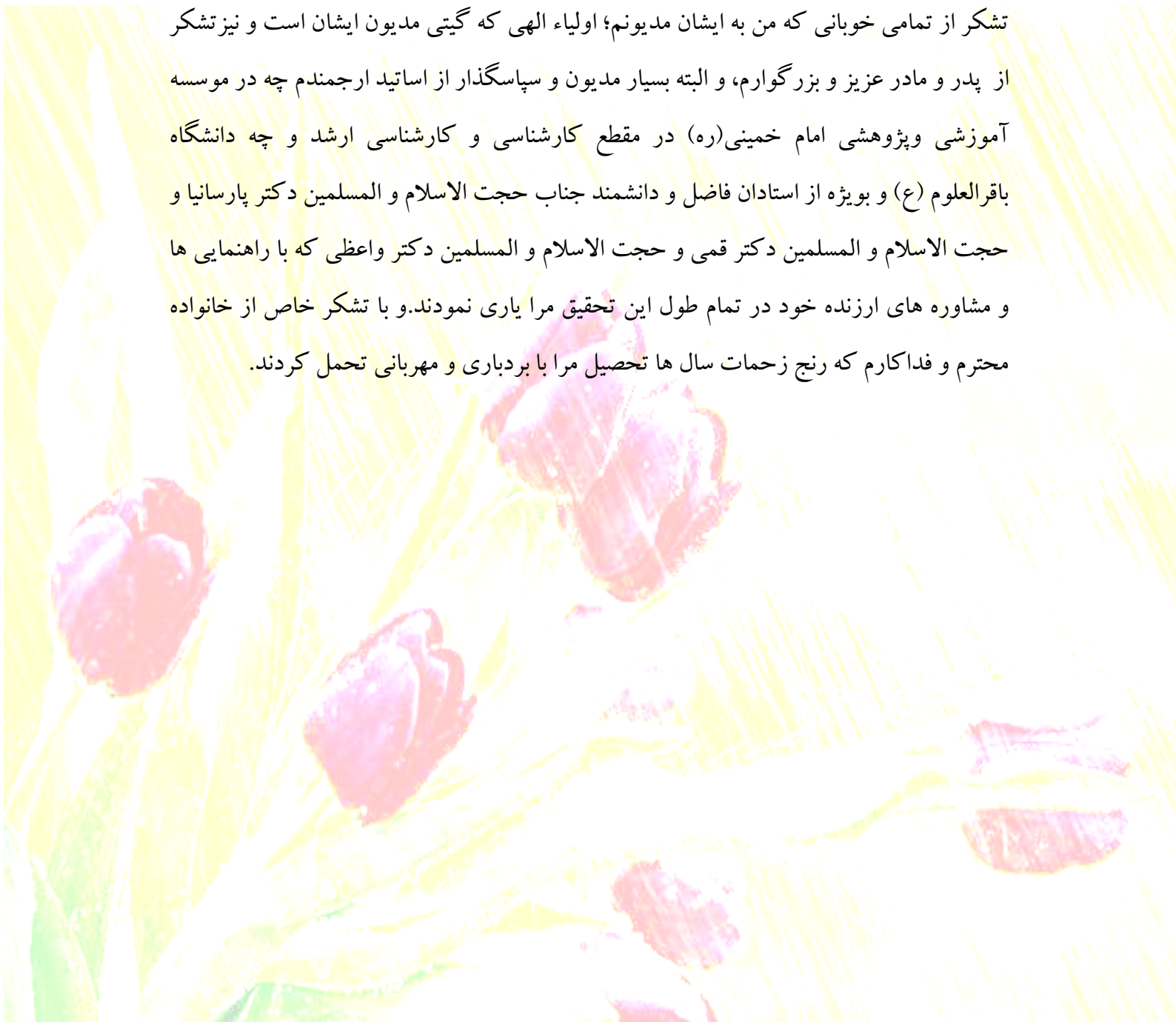
استاد مشاور: حجت الاسلام و المسلمین دکتر واعظی

دانشجو: مهدی ایمانی مقدم

پاییز بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم و تشکر

تشکر از تمامی خوبانی که من به ایشان مدیونم؛ اولیاء الهی که گیتی مدیون ایشان است و نیز تشکر از پدر و مادر عزیز و بزرگوارم، و البته بسیار مدیون و سپاسگذار از اساتید ارجمندم چه در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و چه دانشگاه باقرالعلوم (ع) و بویژه از استادان فاضل و دانشمند جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر پارسانیا و حجت الاسلام و المسلمین دکتر قمی و حجت الاسلام و المسلمین دکتر واعظی که با راهنمایی‌ها و مشاوره‌های ارزنده خود در تمام طول این تحقیق مرا یاری نمودند. و با تشکر خاص از خانواده محترم و فداکارم که رنج زحمات سال‌ها تحصیل مرا با بردباری و مهربانی تحمل کردند.



چکیده

در تحقیق حاضر ابتدا به بررسی و تحلیل جامعه باز و بسته و مولفه های آندو پرداخته شده است و در بخش دوم فلسفه سیاسی و نظام سیاسی برخاسته از آن مولفه ها عرضه گردیده است و سپس در سومین بخش مبادی فلسفی جامعه باز طرح و مشروح به نظریه جهانهای سه گانه او پرداخته شده است و سپس در بخش پایانی و در ارتباط با تبیین جهان 3 پوپر، نظام معرفت شناسی او مبتنی بر روش ابطال پذیری و فلسفه علم او مبتنی بر ابطال گرایی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و سپس هندسه معرفتی پوپر و لوازم آن در فلسفه سیاسی و نظام اجتماعی مطلوب او یعنی جامعه لیبرال دموکرات یا همان جامعه باز بر پایه مهندسی اجتماعی گام به گام و با حذف شرور و آلام و به روش خردورزی انتقادی مورد تحلیل و نقد قرار گرفته است. نویسنده در نوشتار پیش رو و در مقام نقد آراء پوپر سعی کرده است ابتداء با امانتداری آراء پوپر را آنگونه که او در نظر داشته، نقل نماید و به همین خاطر در فصول انتقادی معایب اندیشه او بیان شده است و به نظر می رسد بخاطر ارتباط منسجمی که مولفه های اندیشه پوپر دارد و ابتناء علوم سیاسی و اجتماعی او بر مبادی فلسفی و معرفت شناختی و هستی شناختی او، با تزلزل در اندیشه های معرفتی پوپر کل نظام سیاسی اجتماعی او مبتنی بر مولفه های جامعه باز دچار تزلزل گردد.

کلمات کلیدی

ابطال پذیری معرفتی، عینیت بین الاذهانی، خردورزی انتقادی، دموکراسی منفی، جامعه باز،

جامعه بسته

فهرست مطالب

1	اطلاعات مربوط به پایان نامه:
1-1	عنوان پایان نامه:
2-1	نوع پژوهش:
3-1	تعداد واحد پایان نامه: مدت اجرا: 5 ترم
2	طرح تفصیلی پژوهش
1-2	بیان مساله
2-2	علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن
3-2	پیشینه پژوهش:
4-2	سوال اصلی پژوهش:
5-2	فرضیه‌های پژوهش و پاسخ اجمالی:
6-2	مفاهیم و متغیرها:
7-2	سوالات فرعی پژوهش:
8-2	پیش فرض‌های پژوهش:
9-2	اهداف پژوهش (شامل اهداف علمی و ضرورت‌های خاص انجام پژوهش):
10-2	روش پژوهش:
11-2	روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها:
10	مقدمه
10	معرفی کارل ریموند پوپر در بستر تاریخی خود
19	بخش اول
19	جامعه باز و جامعه بسته
22	فصل یکم
22	مؤلفه‌های جامعه باز و بسته

23 مؤلفه‌های جامعه باز	1.1.1
24 خردورزی انتقادی	1.1.1.1
25 شفاف‌گویی	2.1.1.1
25 تساهل و مدارا	3.1.1.1
26 دموکراسی منفی	4.1.1.1
26 ثنویت انتقادی بین طبیعت و تاریخ از یک سو و عرف و ارزش‌ها از سوی دیگر	5.1.1.1
27 نفی هر گونه تقدس و مرجعیت‌طلبی (دینی، حکومتی، فلسفی و...)	6.1.1.1
27 امکان رقابت افراد و احزاب برای ارتقاء و کسب جایگاه اجتماعی - سیاسی برتر	7.1.1.1
28 تفرد و اصالت بخشی به فرد	8.1.1.1
28 اندیشه جهان میهنی در عین قبول تضارب و اختلاف فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها	9.1.1.1
29 جهنم نسازید، بهشتتان ارزانی خودتان! «مهندسی اجتماعی گام به گام»	10.1.1.1
30 تأکید بر مسئولیت‌پذیری اخلاقی	11.1.1.1
30 وجود نهادهای اجتماعی حافظ آزادی اندیشه و نقد	12.1.1.1
30 مؤلفه‌های جامعه بسته	2.1.1
Error! Bookmark not defined. فصل دوم		
Error! Bookmark not defined. «ایستایی‌شناسی» اجتماعی جامعه باز		
Error! Bookmark not defined. ساخت‌بندی روابط اجتماعی		
Error! Bookmark not defined. نفی اقتدارگرایی و مرجعیت‌طلبی		
Error! Bookmark not defined. فصل سوم		
Error! Bookmark not defined. جامعه‌شناسی تغییر (پویایی‌شناسی)		
Error! Bookmark not defined. ضرورت تغییر و اصلاحات اجتماعی		
Error! Bookmark not defined. مقایسه انواع اصلاحات اجتماعی		
Error! Bookmark not defined. بخش دوم:		
Error! Bookmark not defined. مبادی سیاسی جامعه باز		

Error! Bookmark not defined.	فصل اول:
Error! Bookmark not defined.	مبانی اندیشه سیاسی پوپر
Error! Bookmark not defined.	2-1-1: خاستگاه تاریخی و محیطی اندیشه سیاسی پوپر
Error! Bookmark not defined.	2-1-2: تاثیر فلسفه علم و معرفت شناسی پوپر در نظام سیاسی مطلوب او
Error! Bookmark not defined.	فصل دوم:
Error! Bookmark not defined.	تلقی پوپر از لیبرالیسم
Error! Bookmark not defined.	2.2. مبادی لیبرالیسم:
Error! Bookmark not defined.	2-2-1: اومانیزم فرد گرا
Error! Bookmark not defined.	2-2-2: آزادی سیاسی
Error! Bookmark not defined.	2-2-3: خرد گرایی و خود بسندگی عقل بشری برای تعالی
Error! Bookmark not defined.	2-2-4: عدالت
Error! Bookmark not defined.	2-2-5: پلورالیسم معرفتی، اخلاقی، دینی و سیاسی و لوازم آن
Error! Bookmark not defined.	فصل سوم:
Error! Bookmark not defined.	«دموکراسی» در اندیشه سیاسی پوپر
Error! Bookmark not defined.	2-3: تعریف دموکراسی و شاخصه های آن در نگاه پوپر
Error! Bookmark not defined.	1.3.2. نظام سیاسی مطلوب پوپر
Error! Bookmark not defined.	1.1.3.2. ساختار حاکمیت: «لیبرال دموکراسی متمایل به سوسیالیسم»
Error! Bookmark not defined.	2.1.3.2. عناصر قدرت (نهادهای قانونی)
Error! Bookmark not defined.	3.1.3.2. شبکه قدرت و چینش عناصر قدرت
Error! Bookmark not defined.	4.1.3.2. مرزهای قدرت
Error! Bookmark not defined.	5.1.3.2. کارکردهای دولت
Error! Bookmark not defined.	6.1.3.2. کانون قدرت (رهبری) در نظام سیاسی مطلوب پوپر: (نظام دو حزبی)
Error! Bookmark not defined.	7.1.3.2. دامنه و جریان قدرت از نگاه پوپر: «لیبرال دموکراسی رفاه طلب پدرسالار»
Error! Bookmark not defined.	بخش سوم:
Error! Bookmark not defined.	مبانی هستی شناسی و معرفت شناسی جامعه باز
Error! Bookmark not defined.	فصل یکم:

Error! Bookmark not defined.....	اصول هستی شناسانه پوپر
Error! Bookmark not defined.....	جهان‌های سه‌گانه
Error! Bookmark not defined.....	فصل دوم
Error! Bookmark not defined.....	«معرفت شناسی» پوپر
Error! Bookmark not defined.....	1.2.3. سرچشمه معرفت در اندیشه پوپر
Error! Bookmark not defined.....	2.2.3. اصول معرفت شناسی پوپر
Error! Bookmark not defined.....	فصل سوم
Error! Bookmark not defined.....	«فلسفه علم» پوپر
Error! Bookmark not defined.....	3-3-1. تبیین روش ابطال‌گرایی
Error! Bookmark not defined.....	3-3-2. لوازم روش «ابطال‌گرایی»
Error! Bookmark not defined.....	3-3-3. اندیشه‌های موثر در «مکتب ابطال‌گرایی» پوپر
Error! Bookmark not defined.....	بخش چهارم
Error! Bookmark not defined.....	نقد جامعه باز و مبانی معرفتی آن
Error! Bookmark not defined.....	فصل اول
Error! Bookmark not defined.....	نقد مبانی هستی‌شناختی جامعه باز
Error! Bookmark not defined.....	4-1-1. نقد مبانی هستی‌شناختی جامعه باز
Error! Bookmark not defined.....	2.1.4. نقد فلسفه علم پوپر
Error! Bookmark not defined.....	3.1.4. نقد «معرفت شناسی» پوپر
Error! Bookmark not defined.....	فصل دوم
Error! Bookmark not defined.....	نقد نظام سیاسی متناسب با جامعه باز
Error! Bookmark not defined.....	فصل سوم
Error! Bookmark not defined.....	نقد نظریه «جامعه باز»
Error! Bookmark not defined.....	خاتمه و جمع بندی
Error! Bookmark not defined.....	چرا پوپر؟! ..
216	پوپر در ایران
221	منابع پژوهش

1. اطلاعات مربوط به پایان نامه:

1-1: عنوان پایان نامه:

فارسی: نقد نظریه جامعه باز، جامعه بسته، ابطال پذیری معرفت شناختی، فلسفه علم

لاتین:

Criticizing of Popper's open society theory and it's epistemological foundations

واژگان کلیدی: پوپر، جامعه باز، جامعه بسته، ابطال پذیری معرفت شناختی، فلسفه علم

ابطال گرا، اصالت تاریخ، لیبرال دموکراسی

1-2: نوع پژوهش:

بنیادی نظری کاربردی

مدت اجرا: 5 ترم

1-3: تعداد واحد پایان نامه:

2. طرح تفصیلی پژوهش

1-2: بیان مساله

(تشریح ابعاد و حدود مساله و معرفی دقیق آن و بیان جنبه‌های مورد توجه در پژوهش

حاضر)

چگونگی اداره جامعه و مهندسی تعاملات اجتماعی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و فیلسوفان سیاسی بوده است و مدل‌های بسیار چه در عرصه نظر و چه در اجرا از سوی ایشان و سیاستمداران در طول تاریخ ارائه شده است. اندیشمندانی چون افلاطون، ارسطو، فارابی، روسو، هگل، مارکس، پوپر و... هر کدام به نحوی از مهمترین نظریه پردازان این عرصه به شمار می آیند که

در کنار نظریات ایشان، نظام سیاسی اسلام مبتنی بر اصول اعتقادی و جهان بینی خاص آن و آن هم در قرائت شیعی و برگرفته از تعالیم کتاب و سنت پیامبر(ص) و ائمه اطهار(س) قرار دارد که با نگاهی واقع بینانه به حقیقت انسان و جامعه و آرمان‌های حقیقی آنها، به ترسیم نظام سیاسی و اجتماعی پرداخته است.

کارل ریموند پوپر (1902 – 1944)، فیلسوف علم و سیاست و معرفت شناس اتریشی - بریتانیایی معاصر است که بر اساس نظریه ابطال پذیری تجربی - منطقی در معرفت شناسی، مفهوم منفعت گرایی منفی (negative utilitarianism) را در کتاب جامعه باز و دشمنان آن (1945) تبیین می نماید و مفاد آن نظریه «ضرورت اجتماعی، سیاسی و اخلاقی به حداقل رساندن شر به جای تلاش برای به حداکثر رساندن خیر» می باشد که به زعم او در صورت رعایت شرایط خاصی به «مدینه فاضله غیرسودآور با شر حداقلی» (counterproductive) منجر می شود. از جمله مهمترین این شرایط تحقق مؤلفه های «جامعه باز» است که همه اشکال اعمال محدودیت ها و حاکمیت های فردی (چنانچه در نظریه هایی مانند نظریه شاه فیلسوف افلاطون آمده است)، طبقاتی (مانند آنچه در نظریه مارکس مبنی بر تفوق طبقه کارگر آمده است) و هیئت حاکمه خاص (مانند آنچه در نظر هگل مطرح شده است) را تخطئه می نماید و محتوای کتاب «جامعه باز و دشمنان آن» عموماً همین تخطئه ها می باشد. به بیان دیگر پوپر با انکار و ابطال حاکمیت های فوق، سعی در معرفی ایده «جامعه باز» خود دارد. و نظریه او بیشتر جنبه سلبی دارد تا اثباتی. او هرگونه توسل به ماهیت گرایی (essentialism) و سعی در ارائه تعاریف کلی و به تعبیر منطقی «تعریف حدی» را و نیز هرگونه تاریخی گری (یعنی قبول قوانین و یا الگوهای ثابت و جبرآلود

تاریخی برای علوم اجتماعی - سیاسی) را رد و طرد می نماید و سرمنشاء تمامیت خواهی سیاسی در نظام های توتالیتار و دگم گرایی های معرفتی و اخلاقی را در اندیشه ذات گرایی می داند. محصول عملی تفکر او دفاع فلسفی از نظریه «دولت حداقلی» است که به تبع آن پوپر فلاسفه بزرگی چون افلاطون، هگل، مارکس را به جانبداری از جامعه بسته و توتالیتاریسم متهم می نماید. البته به نظر می رسد همه فلاسفه مورد انتقاد او لزوماً بر جامعه بسته تأکید و بلکه اعتقادی نداشته اند (خصوصاً در تفکر افلاطون) و برداشت پوپر از نظر ایشان جای تأمل دارد و جامعه باز که بازسازی اندیشه های لیبرالیستی می باشد نیز اندیشه ای افراطی است و می توان با استعانت از وحی و عقلانیت، نظریه «جامعه معقول معنوی» را در مقابل آن عرضه داشت و نقش حاکمیت و حقوق مدنی و آزادی ها را بر پایه سعادت دنیوی و اخروی فرد و جامعه عرضه و تبیین نمود و نویسنده سعی می نماید در خلال مباحث آتی به اثبات این مدعا بپردازد.

2-2. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

از مهمترین و بنیادی ترین و تاریخی ترین مسائل حوزه فلسفه سیاست مساله مبانی مشروعیت در تحقق حکومت است. «نظریه جامعه باز»، خواهان جامعه ای مبتنی بر قبول اصالت فرد، محوریت قانون و تساوی طلبی در برابر قانون، دموکراسی و آزادی می باشد که بر طبق این نظریه بروز و ظهور اتم این مؤلفه ها در نظام لیبرال دموکراسی می باشد که البته از نظر پوپر ریشه تاریخی آن به تفکرات نسل کبیر یونان باستان (پریکلس، سقراط و دموکریتس) بر می گردد. این نظریه مبتنی بر روش خاص معرفتی در مطالعه جامعه باز می باشد یعنی مبتنی بر کاربست روش «ابطال پذیری تجربی» و روش آزمون و حذف خطا در علوم اجتماعی که به زعم پوپر در مقابل

این نظریه «تفکر جامعه بسته» قرار دارد که افلاطون، ارسطو و برخی امپراتوران و اربابان کلیسا در قرون وسطی و نیز، هگل و کارل مارکس از جمله معتقدان به آن می باشند که در اندیشه پوپر، این افراد علی رغم تفاوت های بسیار در برخی آموزه ها، جملگی در گرایش به احیای معیارهای قبیلہ پرستی و اندام وارگی اجتماعی، اصالت جمع و توتالیتاریسم حکومتی و نیز گرایش به نوعی جبر و اصالت تاریخ متفق الرای هستند و بدینوسیله با مولفه های جامعه باز از جمله آزادی و عقلانیت و تساوی طلبی ... به مخالفت پرداخته اند و به تعبیر پوپر، ایشان با لفاظی و فلسفه بافی محتوای آنرا به ضد آن تبدیل نموده اند. تفکر جامعه باز مبنای معرفتی نئو لیبرال دموکراسی غرب است که در آن عدم اعتماد و خستگی از نظام موجود لیبرالیسم در عین اهتمام به اصلاح آن به وضوح قابل مشاهده است و البته چنین فکری که نافی ضرورت مشروعیت الهی حاکمیت ها و لزوم مهندسی سیاسی - اجتماعی بر مبنای وحی است به نحوی در چالش با نظام فلسفه سیاسی اسلام و خصوصا تشیع نیز قرار دارد.

بررسی مبانی معرفتی جامعه باز و نقد آن و بررسی الگوهای بدیل آن (بسته، معقول معنوی) نقطه توجه در این پژوهش می باشد.

البته به نظر می رسد نظریه جامعه باز پوپر گاه با اغراض سیاسی و به خصوص در دهه های اخیر و در جوامع جهان سومی و از جمله در ایران مورد تبلیغ و استقبال روشنفکران قرار گرفته است و در ایران شروع آن با نزاع بین مرحوم سید احمد فردید و شاگردانش و پویری های ایران از جمله اعضای حلقه کیان بوده است و این امر کتاب های پوپر در عرصه سیاست و فلسفه علم را بسیار پرفروش کرده است، و ضرورت بررسی و نقد مبنایی آن نظریه او را دوچندان نموده است.

3-2. پیشینه پژوهش:

طبق جستجویی که بعمل آمد هر چند تعداد 6 تحقیق پایان نامه ای درباره اندیشه و جایگاه فکری پوپر به زبان فارسی نگاشته شده بود اما برخی از آن ها مصادره افکار او بر حوادث و جریان های سیاسی معاصر ایران بوده و برخی دیگر تنها به تشریح نتایج سیاسی تفکر او پرداخته اند و برخی دیگر مباحث تطبیقی بین آرای پوپر و سایر اندیشمندان را مطمح نظر قرار داده اند و به بررسی بنیادین هستی شناسانه و معرفت شناسانه تفکر پوپر در جامعه باز و نیز متدولوژی او در تحلیل تاریخ و جامعه نپرداخته اند و طبق جستجوی به عمل آمده حدود سی و دو مقاله در نشریات فارسی و کمتر از بیست کتاب فارسی یافت شد که بطور مستقل به اندیشه پوپر و نقش او در تحولات سیاسی دهه های اخیر در عرصه بین المللی و یا جریان های فکری- سیاسی داخل ایران پرداخته بودند و نیز به تحلیل نقش اندیشه او در تکون اندیشه های پست مدرن پرداخته و یا آثار پوپر در نقل و نقد آراء افلاطون و ارسطو و هگل و مارکس را مورد نقد و واکاوی قرار داده بودند. به طور مثال کتاب «اندیشه سیاسی پوپر» نوشته شی یرمر (ترجمه آقای عزت الله فولادوند) تنها برخی ابعاد اجتماعی - سیاسی افکار پوپر را به نقد گذشته است و نیز کتاب «کارل پوپر در ایران» و کتاب «سیری انتقادی در فلسفه کارل پوپر» نوشته آقای رضا داوری اردکانی عموماً به کلی گویی و نقد اجتماعی آراء پوپر اختصاص دارد، مثلاً در کتاب 215 صفحه ای «سیر انتقادی در فلسفه کارل پوپر» نویسنده محترم عموماً به تخطئه پوپر پرداخته و اینکه او لایق این همه توجه نیست و اینکه اغراض سیاسی و حزبی مریدان او و نه اتقان اندیشه او باعث رونق تفکر او در ایران گشته است. و تنها حدود 70 صفحه از کتاب او به ارائه ایرادهای کلی به نظریه سیاسی پوپر

اختصاص یافته است و کتاب نیز فاقد ارجاعات و منابع و پاورقی می باشد و فاقد ارجاعات مناسب به آثار پوپر و تعیین مصادیق مورد نقد است.

2-4. سوال اصلی پژوهش:

«جامعه باز» چیست؟ مولفه های هستی شناختی و معرفتی آن کدام است؟ فرق آن با نظریات رایج در باب لیبرال دموکراسی چیست؟ چنین نظریه ای بر چه مبانی معرفتی و هستی شناختی پایه گذاری شده است؟

اندیشه ابطال گرایی و ابطال پذیری معرفتی و روش آزمون و خطای معرفتی چه آثاری در نظام مهندسی اجتماعی گام به گام او در جامعه باز خواهد داشت و آیا با نقد و رد آن اندیشه ها، نظام جامعه باز او دچار تزلزل می گردد؟

نقاط قوت و ضعف نظریه «جامعه باز» چیست؟ انتقادهای مبنایی و بنایی بر آن چیست؟ نقدهای روشی بر آن کدام است؟

به همین منظور بخش نخست به تبیین جامعه باز و لوازم آن اختصاص داده شد و بخش دوم به لوازم آن نظریه در نظام سیاسی و آرایه نظریه لیبرالیسم رفاه گستر پدرسالاراز سود پوپر اختصاص یافته و نیز به شیوه حکومتی خاص به نام «دموکراسی منفی» اختصاص یافت و در بخش سوم مبنایی فلسفی و معرفتی جامعه باز تبیین و در بخش نهایی به نقد چار چوب اندیشه پوپر و جامعه باز و نظام سیاسی و نظام فلسفی او پرداخته شد.

2-5. فرضیه های پژوهش و پاسخ اجمالی:

مبانی معرفتی شناختی و هستی شناختی پوپر منشاء ارائه «نظریه جامعه باز» در حوزه نظام سیاسی و اجتماعی از سوی او شده است و با نقد آن، مولفه های نظریه جامعه باز او نیز دچار

تزلزل می شود و ثانیاً ترسیم او از جامعه باز در نهایت به جامعه‌ای منجر می شود که مسئولیت‌ها و جایگاه‌های نهاد های مدنی و سیاسی در آن به درستی تبیین نشده است و تأکید او به آزادی‌ها و انهم بدون ارائه معیار دقیق عقلانی برای یافتن مصادیق آن در نهایت منجر به آنارشیزم و بی‌انضباطی اخلاقی می شود.

2-6. مفاهیم و متغیرها:

تحقیق حاضر تحقیقی کتابخانه‌ای در حوزه علوم انسانی بوده و با توجه به تفاوت‌های ماهوی متفکران در معنای مفاهیم و متغیرها مانند مفهوم جامعه باز، جامعه بسته، خردورزی انتقادی، لیبرالیسم، منفعتگرایی منفی و ...، شاید طرح مبحث متغیرها در اینجا و بدون بررسی اولیه پیش فرض های پوپر سودمند نباشد و در طی فصول آتی رساله، به این امر پرداخته خواهد شد.

2-7. سوالات فرعی پژوهش:

- آیا با ابطال نظریه معرفت‌شناسانه ابطال‌گرا، در اندیشه‌های جامعه‌شناختی و سیاسی پوپر تغییری حاصل نمی‌شود و اصولاً آیا جامعه باز می‌تواند نتیجه معقول چنین نظریه‌ای باشد؟
- مبانی معرفتی جامعه بسته در اندیشه پوپر چیست و چه نقدهایی بر آن وجود دارد؟
- آیا شق سوم برای دسته بندی پوپر از جوامع به باز و بسته وجود دارد؟
- آیا جامعه باز پوپر به نوعی استبداد جمعی نمی‌انجامد؟
- آیا پوپر در عرصه عمل و ترجیح و نقد نظام های سیاسی موجود، به باورهای خود در کتاب «جامعه باز و دشمنان آن» التزام نگاه داشته است؟

2-8. پیش فرض های پژوهش:

به نظر می رسد متدولوژی معرفت در حوزه علوم انسانی و بخصوص در تحلیل جریان های کلی تاریخی و اجتماعی به کلی متفاوت از روش معرفت در علوم تجربی و حسی بوده و کار پوپر در تعمیم روش ابطال پذیری عملاً پوزیتیویستی (هر چند او خود را مخالف پوزیتیویسم می داند) به علوم اجتماعی و اصالت بخشی به منفعت گرایی منفی در جهت به حداقل رساندن شر به جای تلاش برای خیر حداکثری و نیز نفی و صبّ جامعه آرمانی و مدینه فاضله اولاً مخالف مبانی منطقی در معرفت شناسی فلسفی بوده و ثانیاً با آموزه های تفکر شیعی نیز در تعارض آشکار است و ثالثاً مبتنی بر تعریفی سکولاریستی از انسان و جامعه می باشد.

2-9. اهداف پژوهش (شامل اهداف علمی و ضروت های خاص انجام پژوهش):

- 1- به چالش کشاندن و نقد جامعه باز پوپری که در حقیقت، نقد قرائتی نو از لیبرال دموکراسی به عنوان آرمان اجتماعی - سیاسی دنیای غرب می باشد، از مهمترین اهداف این تحقیق می باشد. زیرا پوپر بر پایه مبانی هستی شناختی و معرفتی خاصی، از نظریه جامعه باز دفاع کرده است و بنابراین نقد آن مبانی، در حقیقت نقد بنیان های فلسفی لیبرال دموکراسی نیز می باشد.
- 2- زمینه ساز برای ارائه نظریه ی (جامعه معقول معنوی) ناظر به افراط و تفریط های موجود در جامعه بسته توتالیتاریته و جامعه باز لیبرالیستی نیز از اهداف ضمنی پژوهش حاضر می باشد.
- 3- زمینه سازی برای تولید ادبیات و تعریف جدید از جایگاه و نقش مردم در حاکمیت و چگونگی اصلاح اجتماعی (و نه صرفاً سلبی بر طبق مبانی جامعه باز) و بسط و تعمیق

مولفه های جامعه مطلوب و معقول و معنوی بعنوان بدیل جامعه باز و تقویت هویت دینی در تقابل با مکاتب لیبرال و سکولار نیز از اهداف تحقیق حاضر می باشد.

10-2. روش پژوهش:

توصیفی، تحلیلی، انتقادی و مقایسه ای

در نگارش رساله ابتدا به گردآوری داده ها از منابع کتابخانه ای پرداخته شد و با اولویت بخشی به پژوهش و فیش برداری از آثار و نوشته های خود پوپر کار آغاز کردید و با توجه به ترجمه اکثر آثار او به فارسی، بیشتر وقت صرف فهم و تحلیل و نقد آثار او شد یعنی ابتدا به منبع شناسی تفصیلی آثار پوپر و آثار مربوط به آراء او و دانلود منابع اصلی پرداخته شد و برخی آثار پوپر مانند «جامعه باز و دشمنان آن» و «حدس ها و ابطالها» به جهت اهمیت و اطمینان از عدم جاگذاری مطالب دوبار مطالعه و فیش برداری شد، تا یقین به فهم کامل منظور پوپر حاصل شود و سپس آثار جانبی و تاییدی یا نقدی مربوط به آراء پوپر مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفت و بعد از طبقه بندی و تنظیم فیش های حاصله، به صورت بندی رهیافت ها و تحلیل یافته ها مبادرت ورزیده شد و بعد از تنظیم چارچوب مناسب به نگارش نهایی متن و در نهایت؛ ویرایش نائل آمدم.

نکته مهم و قابل توجه آنکه نویسنده در بخش پایانی به نقد نظریات پرداخته است و نقد عموماً بیان ایرادات و معایب در اندیشه پوپر است و احیاناً نکات مثبت اندیشه او کمتر ارایه شده زیرا نویسنده در هر بخش ابتدا سعی شده آراء پوپر آنگونه که کاملاً مورد قصد و نظر اوست



بیان نماید و به نظر نویسنده بهترین تمجید از آراء یک فرد، بیان صحیح و مطلوب آراء نویسنده آنگونه که خود او منظور دانسته ،می باشد.

11-2. روش گردآوری اطلاعات و داده ها:

کتابخانه - فیش برداری- تنظیم - سامان دهی - تحلیل و نقد

مقدمه

معرفی کارل ریموند پوپر در بستر تاریخی خود

کارل ریموند پوپر^۱ فیلسوف اتریشی - بریتانیایی (متولد ژانویه 1902 و متوفی سپتامبر 1994) یکی از نامدارترین فیلسوفان علم و سیاست در قرن بیستم بود که افکار او هم در دوره حیات او مورد توجه و بحث و نقد فراوان قرار گرفت و هم به زعم بسیاری در ایجاد تغییر و تحولات سیاسی اوائل هزاره سوم میلادی در کشورهای آسیای میانه و کشورهای جدا شده از شوروی سابق نیز بسیار موثر واقع شد. عضویت او در نه انجمن و فرهنگستان علمی و داشتن دوازده دکترای افتخاری و ترجمه آثار او به بیست و سه زبان زنده دنیا و اذعان برخی حاکمان و سیاستمداران بزرگ غربی مبنی به اینکه چیزهای فراوانی از او آموخته اند و نیز نقش آثار فلسفه علم او در پیشرفت علمی دانشمندان صاحب نامی چون پیتر مداوار (برنده جایزه نوبل پزشکی در سال 1960) و جان اکلز (برنده جایزه نوبل فیزیولوژی در سال 1963) و هرمان باندی (برنده جایزه نوبل در ریاضیات و اخترشناسی) و... که بسیاری از ایشان خود به این تاثیرگذاری پوپر اذعان دارند باعث ضرورت مضاعف توجه به افکار و آثار پوپر می شود.

در عرصه سیاست نیز افکار پوپر چه در عرصه نظر و چه در عرصه عمل نقش حائز اهمیتی داشته است. تأثیر او در سیاست انگلستان و کشورهای اروپایی و آمریکایی آنقدر زیاد بود که روزنامه‌های انگلیسی به او لقب (فرد کابینه‌ساز^۲) دادند و نیز افکار او درباره ضرورت اصلاحات بنیادی تدریجی و حتی الامکان بدون خشونت و مبتنی بر مبانی لیبرالیسم و سکولاریسم، الهام‌بخش

1. popper, Karl Raimund

2- cabinet marker

فعالیت‌های سیاسی و براندازی نرم یا به اصطلاح رنگی و تدریجی توسط مراکزی مثل بنیاد جروج سورس گردید.^۱

او در خانواده‌ای یهودی تبار و دارای گرایش‌هایی به مسیحیت پروتستان، بدنیا آمد. خود پوپر در کتاب «جستجوی ناتمام» به یهودی بودن و فراماسون زاده بودن خود تصریح می‌کند.^۲ و در مقدمه بخش دوم نوشتار حاضر به برخی ادله گرایش فراماسونی او اشاره خواهد شد. هر چند او در برخی آثار خود نسبت به گرایش‌های انحصارطلبانه و استثمار و قبیله‌گرایانه یهود زبان به انتقاد می‌گشاید.^۳

وی در نوجوانی و بخاطر هیجان‌های اجتماعی ناشی از رویاپردازی‌های آرمانی مارکسیست‌های انقلابی مبنی بر ایجاد برابری و مساوات و نفی طبقه و استثمار... به مارکسیسم گرایش پیدا کرد ولی اندکی بعد و با مشاهده جنایات و قتل عام هولناک استالین و عدم تحقق آرمان‌ها و وعده‌های مارکسیستی و نیز عدم تحقق وعده زوال کاپیتالیسم و سيطرة سوسیالیسم و نیز مشاهده عملکرد خشونت بار و خونین چپ‌گرایان اتریشی، در هفده سالگی از مارکسیسم روی گردان شد، هر چند که ارادت خود را به شخصیت کارل مارکس تا حدودی حفظ کرد و به زعم خود، این ارادت بخاطر مرام و اندیشه آزادی‌خواهی و دموکراسی خواهی مارکس بود و این

1- ر.ک: پوپر، کارل «اسطوره چارچوب»؛ علی پایا، چاپ سوم تهران، طرح نو، 1389، ص 7-9

و نیز ر.ک: پوپر، کارل؛ «جستجوی همچنان باقی»؛ ترجمه سیامک عاقلی؛ اول، نشر گفتار، تهران، 1380، ص 51 و نیز ر.ک: ویراستاران ایان یاروی و ساندر پرالانک، [مجموعه مقالات]: جامعه باز پوپر پس از 50 سال؛ تداوم موضوعیت بحث پوپر، مصاحبه با جمیلوسکی ترجمه مصطفی یونسی، چاپ اول، تهران، نشر مرکز، 1382 ص 59

2- پوپر، کارل؛ «جستجوی ناتمام»، ترجمه ایرج علی آبادی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، 1369، ص

12 و ص 125 و نیز ر.ک: کارل پوپر، جستجوی همچنان باقی، ص 67

3- از جمله ر.ک: پوپر، کارل؛ «جامعه باز و دشمنان آن»، ترجمه عزت اله فولادوند، چاپ سوم، تهران، خوارزمی، 1380، ص

علیرغم رد نظریه جبر تاریخی و نظام طبقاتی مارکس از سوی پوپر بود¹، و البته پوپر تا سی سالگی و با عضویت در «انجمن دانشجویان مدرسه سوسیالیست» و حزب «سوسیال دموکراسی»، رسماً خود را یک سوسیالیست می دانست اما در نهایت با محور قرار دادن «فرد» بعنوان غایت و موضوع عدالت و نیز برتری آزادی بر عدالت، اندیشه‌های لیبرالیستی خود را ابراز داشت و سوسیالیسم مورد قبول خود را به سوسیالیسم اخلاقی مبتنی بر عدالت محوری تنزل داد و با آشکار شدن لوازم نامطلوب اجتماعی - سیاسی سوسیالیسم دولتی در قدرتمند کردن بوروکراتها در برابر شهروندان و گرفتن چالاکتی از دولت، کم‌کم اندیشه سوسیالیستی را نیز در تقابل با آزادی شهروندان تلقی نمود و آنرا کنار گذاشت و آثار مثبت آنرا در ضمن تحقق نظام لیبرالی رفاه گستر و پدرسالار قابل تحقق دانست.

او در سال 1929 دانشجوی دانشگاه وین و فارغ التحصیل دکتری موسسه «تعلیم و تربیت» بود و مدتی نیز مددکار اجتماعی و سپس آموزگاری را پیشه خود ساخت. ارتباط او با حلقه اندیشمندان عمدتاً پوزیتویست اتریشی که به «حلقه وین» شهرت داشت و از جمله با رودلف کارناب باعث جلب توجه او به مسائل بنیادین فلسفه علم شد و اولین نگاهشته‌های او با نام «دو مسأله اساسی نظریه شناخت» که با عنوان «منطق پژوهش²» در سال 1934 انتشار یافت، حاصل همین ارتباط بود. پوپر به سال 1937 و با خاطره ویرانی و فقر حاصل از جنگ جهانی اول که نشانه آن سکونت او در بیمارستان متروکه بعنوان خوابگاه دانشجویی بود و نیز با خاطرات تلخ از خشونت‌های خونین چپ‌گرایان اتریشی و همچنین با احتمال حمله قریب الوقوع آلمان‌های

1- رک: جامعه باز و دشمنان آن، فصول 14، 15، 20 (از جمله تصریحات پوپر در صفحه 977 و 889 که پوپر منکر ماتریالیست بوده و علاقه مارکس به آزادی را منشاء توجه بیش از حد او به اقتصاد معرفی می نماید و عمده نقد خود را بر پیشگویی های جبر آلود مارکس متمرکز می نماید).

2. logik der forschung

نازیست، جلائی وطن نمود و به زلاندنو مهاجرت نمود و تا پایان جنگ جهانی دوم در آنجا ماند و در آنجا دو اثر مهم خود «جامعه باز و دشمنان آن»^۱ و دیگری «فقر تاریخیگری»^۲ را به نگارش درآورد که بنیادی‌ترین و مهم‌ترین اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی پوپر در این دو اثر قرار دارد.

اگر بخواهیم به حوادث مهم اجتماعی - تاریخی موثر در اندیشه علمی - سیاسی پوپر اشاره‌ای بنماییم بایستی به این نکات توجه نمائیم که اولاً دهه‌های اول قرن بیستم عصر سلطه «توتالیتاریسم»^۳ و ظهور و بروز آن در چهره خونریز و سفاک نازیسم هیتلری و فاشیسم ایتالیایی از یک سو و اندیشه و منش تام گرایانه و جبر آلود و خشونت‌گرایی مارکسیسم استالینی از سوی دیگر می‌باشد که دو جنگ جهانی خانمان سوز و دهشناک با دهها میلیون کشته و زخمی و آواره حاصل عملی شدن این تفکرات بود. ثانیاً تفکرات غالباً سکولاریستی و حتی لائیک دوره مدرنیته که با شعار پلورالیسم معرفتی و نسبییت اخلاقی و دینی، بسترهای فکری - اجتماعی شیوع و گسترش ناعدالتی‌ها و فاصله طبقاتی را فراهم آورده بود نیز باعث ضرورت داشتن نگاه نقادانه و عدم اعتماد به همه مکاتب فلسفی - سیاسی و با هر ادعا و عنوان را به اثبات رسانده بود و حتی نظام فکری - فلسفی لیبرالیسم را نیز در بعد نظری و عملی به چالش و نقد کشیده بود که البته با توجه به عملکرد و نتایج و تبعات نامطلوب انقلاب‌های تند و سریع روسیه و فرانسه و... روش تند و انقلابی برای اصلاح لیبرالیسم را امری نامعقول نمایانده بود. ثالثاً وجود فلسفه‌های مبهم و غیر صریح مانند فلسفه تحلیل زبانی یا برخی اندیشه‌ورزی فیلسوفان ایدالیست آلمان همچون هایدگر و هگل که به زعم پوپر بخاطر ابهام‌گویی و ایده آل بودن می‌توانست بستر ده‌ها تفکر و رفتار رادیکالی و تند معرفتی و سیاسی در خود باشد، پوپر را به ارائه یک فلسفه روان و صریح واداشت.

¹ The open society and its enemies

² the poverty of historicism

³ totalitarianism

پوپر درباره ضرورت روانی و سادگی ارائه مطالب و در اعتراض به فضای مبهم و پیچیده فلسفی زمان خود می گوید:

«به نظر من هدف قرار دادن سادگی و روشنی یک وظیفه اخلاقی برای همه روشنفکران است و فقدان روشنی و وضوح یک گناه و پر ادعایی یک جنایت است»¹.

از سوی دیگر، دهه‌های اول قرن بیستم، دوره جهش و پیشرفت شگرف علمی - صنعتی محسوب می‌شود و ظهور فیزیک اینشتین و قانون «نسبیت» آن و سپس به فاصله‌ای اندک ظهور فیزیک و مکانیک کوانتوم با اصل «عدم قطعیت» آن که در تقابل با فیزیک اینشتین قرار داشت، سرآغاز تحول عظیم در مباحث فلسفه علم و مبادی تفکرات و مکاتب فلسفی شد و این اندیشه را غالب ساخته بود که رسیدن به معرفت کامل و ثابت یقینی ناممکن است و این جریان حیطه نسبیت و تکتیر را از حوزه اخلاق و دین به حوزه معرفت‌های طبیعی و تجربی گسترش داد. این عوامل پایه گذار فلسفه علم و اندیشه سیاسی - اجتماعی پوپر شدند که با بیانی نسبتاً ساده در آثار پوپر بر بنیان اصل ابطال‌پذیری معرفتی و تسری آن به مباحث فلسفه اخلاق و سیاست بنا گردید.

«اصل ابطال‌پذیری» بعنوان شاخص در روش علمی، داری سابقه تاریخی در اندیشه متفکران پیش از پوپر است و پوپر آن را بجای «اصل اثبات‌پذیری و استقراء» پوزیتیویستی و آمپریستی مطرح ساخت² و این شالوده تفکر پوپر در مباحث فلسفه علم است که با انکار امکان تحصیل علم و یقین معرفت‌شناختی، حرکت اصلاحی و انتقادی و پیشرفت بسوی معرفت را بجای آن پیشنهاد می‌نماید و در اثبات این اصل از ده‌ها دلیل تاریخی، اجتماعی و علمی بهره می‌گیرد. اندیشه

1. کارل پوپر؛ «شناخت عینی برداشت تکاملی»؛ ترجمه احمد آرام، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1374، ص 49

2. برای توضیح بیشتر درباره سه اصل پوزیتیویستی «اثبات‌گرایی»، «تاکید‌گرایی» و «ابطال‌گرایی» رجوع شود به فصل دوم از

بخش سوم نوشتار حاضر

اصلاحی - علمی همراه با اعتقاد به لغزش پذیری همه انسانها و همچنین روش نومیالیستی پوپر و مخالفت او با ذات گرایی موجود در اندیشه ارسطو و افلاطون و مارکس و ضدیت با اصالت تاریخ، همه و همه زیر ساخت‌های اندیشه سیاسی - اجتماعی پوپر را فراهم می‌سازد که البته اعتقاد به «مهندسی اجتماعی تدریجی» مبتنی بر رفع معایب و آلام و تعریف خاص پوپر از دموکراسی و حضور سیاسی مردم بعنوان صرفاً داور برای عملکرد حاکمیت و نه مؤثر مستقیم یا غیر مستقیم در تعیین نوع حاکمیت و شخص حاکم و... از مهمترین ویژگی اندیشه فلسفه سیاسی پوپر است که برخاسته از آن مبانی معرفتی می‌باشد. و این همه تصویر «جامعه باز» مطلوب پوپر است که آنرا در مقابل جامعه بسته یا توتالیتر مبتنی بر باور جزم‌گرایانه معرفتی و اخلاقی و اندیشه «تام‌گرایانه» و «مرجعیت طلبانه» قرار داده است.

هر چند پوپر با انکار علت غایی از تاریخ و از حرکت‌های اجتماعی و نیز انکار کلیت و جهان شمولی و روایت‌ها و احکام کلان در مهندسی اجتماعی - اخلاقی و نیز با اعتقاد به کثرت‌گرایی، به اندیشه پست مدرنیسم نزدیک می‌شود¹ ولی به هیچ وجه نبایستی او را یک پست مدرن به حساب آورد. تاکید او بر فرد انسانی بعنوان غایت مهندسی اجتماعی - اخلاقی و بعنوان عنصر مستقل در مقابل جامعه و تاریخ و جهان و نیز تاکید بر اندیشه پیشرفت و تأکید بر محوریت و استقلال عقل انتقادی در قضاوت‌های عملی و مهندسی تدریجی اجتماعی و نیز تاکید بر سایر مولفه‌های مدرنیسم از جمله علم‌گرایی و سکولاریسم و لیبرالیسم و... او را به یکی از اندیشمندان مطرح مدرنیسم در قرن بیستم تبدیل نموده است.

1. رک: کارل پوپر، «می‌دانم که هیچ نمی‌دانم گفتگوهایی در باب سیاست، فیزیک و فلسفه» ترجمه پرویز دستمالچی، چاپ

اول، تهران، نشر ققنوس، 1384، ص 35

نکته دیگر در خصوص اندیشه پوپر این است که علی رغم اندیشه بدبینانه بسیاری از متفکران قرن بیستم همچون جورج سانتایانا^۱ و آیزایا برلین^۲ و تئودور آدرنو^۳ و... که متأثر از فجایع عظیم نیمه اول قرن بیستم، مسیر تاریخی حرکت بشری یا ذات انسانی را صریحاً رو به زوال و انحطاط و شرارت تلقی می نمودند و نیز علی رغم نظر بسیاری از اندیشمندان یونان باستان و دوره مدرنیته همچون ارسطو و مارکس و هگل و... که مسیر تاریخ را رو به تکامل و خیریت مطلق تلقی می کردند، پوپر هر چند خود را فیلسوفی خوش بین می داند اما در واقع او بدبینی خود را در قالبی خوش بینانه عرضه می نماید! توضیح آنکه پوپر رسیدن به معرفت را محال می داند و به همین خاطر نقد دائمی بخاطر وجود نقص و جهل همیشگی در معرفت های بشری را، ضروری دانسته و ناکامی در خیرخواهی ها و آرمان گرایی های حاصل از مکاتب بشری را دلیل این بی اعتمادی خود در عرصه سیاست و اجتماع معرفی می نماید و بنابراین فرمول و اکسیر معرفتی «خردورزی انتقادی» و شعار «پیشرفت علمی» به جای «معرفت علمی» را سرلوحه اندیشه ورزی خود قرار می دهد و این همان جمع خوش بینی و بدبینی در اندیشه پوپر است و بر این اساس پیش شرط وجودی تحقق اصلاح تدریجی معرفتی و اجتماعی پوپر، وجود شرور و بدخواهی ها و بدذاتی های دائمی در

-
1. George santayana) وی در کتاب 5 جلدی «حیات خرد» ضمن ارزیابی نهادهای بشری (جامعه، دین، هنر و علم) از نگاه سعادتگرایی اخلاقی (ethical eudaemonism) هیچکدام از این نهاد ها را در ارتقاء زندگی عقلانی موفق ندانسته است. رک: کالینسون و رابرت ویلکینسون، ترجمه عبد الرضا سالار بهزادی، تهران، نشر ققنوس، ص 195
 - 2 (I, Berlin) که بخاطر جنایات بلشویک های روسیه، از وطنش فرار کرد و خانواده خود را توسط نازی ها در جنگ جهانی دوم از دست داد و بنابراین سخت از نظام های توتالیتر نیمه اول قرن بیستم آزرده خاطر بود و آنرا می توان در آثار او مشاهده کرد. (رک: «فیلسوفان سیاسی قرن بیستم» مایکل ایچ، لنساف، ترجمه خشایار دیهیمی، ص، 331-332)
 - 3 (adorno, theodor) از مهمترین فیلسوفان مکتب انتقادی فرانکفورت است که کتاب انتقادی مهم او «دیالکتیک روشنگری» (Dialektik der aufklarung) می باشد که با روشی شکاکانه و قلمی مایوسانه به بررسی نظریات فرهنگی - فلسفی دوره مدرنیته پرداخته است. (رک: همان، ص ص 18-19)

جوامع انسانی است و باید توجه داشت که پیشرفت ادعایی پوپر لزوماً به جهانی بهتر ختم نمی شود و خود پوپر اندیشه بهتر شدن جهان را نظری دینی و ایدئولوژیکی و ناشی از ناکامی های فلسفی و اخلاقی دانسته و آنرا منشا جنگ ها و ستیزه های خانمان سوز معرفی می نماید.¹ البته این جمع خوش بینی و بدبینی را نیز می توان در اندیشه «نا تعین گرایی» پوپر پیدا نمود. آینده محصور لوازم رفتاری و میزان مسئولیت پذیری ما در امروز است و چون بسیاری از رفتار و لوازم رفتار انسانی غیر قابل پیش بینی است بنابراین نمی توان خوش بین مطلق و یا بد بین مطلق بود.²

نمونه دیگر از جمع خوش بینی و بدبینی در اندیشه پوپر آراء او درباره تعدد و تکثر آراء و مکاتب فلسفی و نیز درباره تعلیم و تربیت و رسانه های تبلیغی همچون تلویزیون است. او از سویی بر آزادی اندیشه و عدم اهمیت منبع و منشاء آراء تاکید می ورزد و از جهتی دیگر تلویزیون و رسانه ها و مراکز تعلیم و تربیت را شایسته شدیدترین تحدیدها و سانسورها و نظارت های دولتی برای حفظ اصول لیبرالیسم می داند. پوپر در این خصوص می گوید:

«از منظر دموکراتیک، تلویزیون بایستی کنترل شود، زیرا قدرت سیاسی بالقوه و تقریباً نامحدودی دارد. درست مثل ضرورت کنترل پزشکان و وکلا. کنترل و گزینش دقیق افرادی که در تلویزیون کار می کنند... اگر افراد غیر مسئولیت پذیر تلویزیون داشته باشند بایستی مجوز آنها را باطل کرد...»³

1. رک: پوپر، کارل؛ «حدس ها و ابطال ها»؛ ص 266

2. رک: «جامعه باز پوپر پس از پنجاه سال» ص 5، 26، 64-53

3- «جامعه باز پوپر پس از 50 سال» ص 61

الگوی «جامعه باز» مطرح شده از سوی پوپر نماد این تعارضات و تضادهای فکری اوست.¹ «نفی آرمان از حرکت‌های اجتماعی و در عین حال، حرکت اصلاحی در حذف آلام و شرور»، تصویر اجمالی از ایده‌ی سیاسی - اجتماعی پوپر است که در بخش‌های آینده ابتدا ضمن بیان چیستی این تئوری و لوازم اخلاقی و سیاسی آن، در بخش سوم به تبیین اصول و مبانی معرفتی و فلسفی نظریه جامعه باز پرداخته و آنرا در بخش‌هایی به بوته نقد خواهیم سپرد.

1- ر ک: همان، ص ص 64-53 و نیز رک «جامعه باز و دشمنان آن»، ص 474، 1134، 771، 554

بخش اول

جامعه باز و جامعه بسته

تاریخ از دیدگاه پوپر، «داستان ستیزه‌های اخلاقاً غیردلیپذیر بر سر قدرت»^۱ و «دیالکتیک بی‌پایان تحول»^۲ است و هرچند در اندیشه پوپر تاریخ بخودی خود بی‌معناست و مائیم که به آن معنا می‌بخشیم، یا به تعبیر او «معنای تاریخ چیزی است که ما گزینش می‌کنیم»^۳ اما در عین حال تاریخ عرصه مطالعه رشد انواع مختلف معرفت انسانی و حتی حیات جانوری و انسانی است. یعنی تاریخ دارای رشد و پیشرفت آمیپی اما «غیر متعین» بوده که بر این اساس علوم انسانی و از جمله در مطالعه تاریخ هم علوم طبیعی، از جهت کاربرد روش واحد یعنی روش آزمون و حذف خطا بسیار به هم نزدیک می‌شوند.^۴ و با شروع تمدن‌های انسانی، پیشرفت اصلاح اجتماعی آغاز و اندک اندک تحول یکسویه جوامع بسته به جوامع باز آغاز گردیده است.^۵ تاریخ فاقد معنای ذاتی است و به همین خاطر پوپر افلاطون، هگل و مارکس را بنحاضر توسل به ذات‌گرایی و تاریخ‌نگری به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد. این باور که «قوانین علی و الگوهای معینی در تاریخ وجود دارد که عالمان علوم اجتماعی و سیاسی موظف به پیش‌بینی آنها برای ترسیم مسیر تاریخ و آینده هستند» شالوده‌اندیشه تاریخ‌نگری است که مورد هجمه پوپر در آثار خود، بویژه در دو کتاب «جامعه باز و دشمنان آن» و «فقر تاریخ‌نگری» می‌باشد و در اندیشه پوپر مهندسی تدریجی (که مهم‌ترین شاخصه سیاسی اجتماعی جامعه باز است) باعث نقش زدن دغدغه‌های اخلاقی و مسئولیت‌های انسانی بر ماده خام اجتماعی و سبب معنابخشی تاریخ است.^۶

1. «اندیشه سیاسی کارل پوپر»، ص 39.

2. «جامعه باز پوپر پس از پنجاه سال»، مقاله هال با عنوان «تحلیل و اصلاح کاستی جامعه‌شناختی کتاب جامعه باز»، ص 151.

3. «اسطوره چارچوب؛ در دفاع از علم و عقلانیت»، ص 258

4. Indetermination

5. ر.ک: جامعه باز و دشمنان آن، ص 144؛ و نیز ر.ک: جامعه باز پوپر پس از پنجاه سال، حذف، ص 154 و نیز ر.ک:

«اسطوره چارچوب؛ در دفاع از علم و عقلانیت»، ص 21

6. ر.ک: جامعه باز و دشمنان آن، ص 1137.

بنابراین نقش مسئولیت‌های اخلاقی افراد انسانی و خردورزی انتقادی که پوپر آنرا در «اصل عقلانیت» با محتوای تجربی و روش آزمون و خطا مبتنی بر «منفعت‌گرایی منفی»^۱ و کاهش آلام ارائه داده است، در تعریف و تفسیر جامعه باز بسیار حائز اهمیت است و سنت‌های اجتماعی، در عین اصلاح‌طلبی، شالوده این چارچوب‌های اخلاقی و خردورزی انتقادی و ایجاد نهادهای مربوطه را تشکیل می‌دهند و نیز عامل توافق جمعی و ترسیم منفعت مشترک در روند اصلاحات تدریجی اجتماعی می‌شوند.^۲ در فصول آینده مؤلفه‌های جامعه باز که برخاسته از چنین سنت‌های اجتماعی می‌باشند، مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

1 . Negative utilitarianism

2 . ر.ک: حدس‌ها و ابطال‌ها، ص 164 - 163، 149، 7؛ و نیز ر.ک: جامعه باز و دشمنان آن، ص 477 - 472. و نیز ر.ک:

«اسطوره چارچوب؛ در دفاع از علم و عقلانیت»، ص 22

فصل یکم

مؤلفه‌های جامعه باز و بسته

1-1-1. مؤلفه‌های جامعه باز

ایده «جامعه باز» پوپر کاملاً بر خاسته از اندیشه‌های هستی‌شناختی «یعنی فرضیه جهانهای سه گانه» و معرفت‌شناسی حدسی او و استحاله رسیدن به یقین و معرفت است.¹ سیر تحول در جهان از جهان یک بسوی جهان 3 است و به موازات آن جوامع بشری نیز رشد می‌نمایند. ابتدای حیات طبیعی و بشری صرفاً بر پایه زور و خشونت طبیعی بود و این به مثابه استیلای جهان یک (جهان اشیاء مادی) بود و با تشکیل نظام‌های اجتماعی بر مبنای قبیله و گم شدن هویت‌های فردی در هویت جمعی قبیله‌ای و تحمیل آراء رئیس قبیله یا باورهای دینی و ماورائی به عنوان تابو بر افراد قبیله، هویت جهان 2 در جهان بشری ظهور و بروز می‌یابد، یعنی ظهور جهان ایده‌های ذهنی بدون عینیت نقدی و بین‌الذهانی و با شروع تعاملات و حتی تعارضات بین اقوام و فرهنگ‌ها و تقویت مسئولیت‌های فردی و نقادی در توتم‌ها و تابوها، طلعه ظهور جهان 3 یعنی جهان پیشرفت علمی و اخلاقی و سیاسی مبتنی بر خردورزی انتقادی و جهان محصولات اندیشه‌های بشری، آشکار می‌شود. در ظهور جهان 3، نقش تعاملات و حتی تعارضات در فرهنگ‌ها بسیار حائز اهمیت است و پوپر در جای جای آثار خود بر آن تأکید می‌ورزد.²

پوپر «جامعه باز» و تحقق نظام لیبرال دموکراسی غرب که نمونه آن است را حاصل دوره روشنگری قرن 18 و 19 دانسته که با نفی تقدس و مرجعیت از هر مرجع انسانی یا فوق انسانی اصول خردورزی و نقد پذیری در آن دوره پایه ریزی شده است.³ و البته کانت بعنوان یکی از فیلسوفان ساختار شکن در متولوژی ثابت برای علوم، در ایده جامعه باز پوپر بسیار موثر بوده است.⁴

1. ر.ک: اندیشه سیاسی کارل پوپر، ص 85 - 84.

2. از جمله ر.ک: «جامعه باز دشمنان آن»، ص 379، 222 و نیز ر.ک: سخنرانی مارید بارگاس یوسا، «فلسفه و جامعه و سیاست»، گزیده و نوشته و ترجمه عزت‌الله فولادوند، چاپ اول، تهران، نشر ماهی، 1380، ص 177.

3. ر.ک: جامعه باز و دشمنان آن، ص 13

4. همان، ص 17

در نگاه پوپر، تحول جامعه بسته به باز علی رغم فراز و نشیب‌های فراوان، یکسویه بوده و بازگشت به جامعه بسته و قبیله‌ای اولیه امری محال می‌باشد.¹ و البته نویسنده دلیل روشنی و متقنی در آثار او مبنی بر چرایی استحاله بازگشت به جامعه قبیله ای، نیافته است. بر این اساس پوپر جامعه بسته و باز را این گونه تعریف می‌نماید:

«جامعه جادویی یا قبیله‌ای یا مبتنی بر اصالت جمع را جامعه بسته خواهیم نامید و جامعه‌ای را که افراد در آن با تصمیم‌های شخصی روبرو باشند «جامعه باز»²».

اصلی‌ترین اصول و مبانی فکری جامعه باز عبارتند از: «اتخاذ روش خردمندی انتقادی» و «ثنویت انتقادی بین عرف و ارزش‌ها از یک سو و طبیعت و تاریخ از سوی دیگر». بنابراین می‌توان ویژگی جامعه باز را از نگاه پوپر این گونه برشمرد:

1-1-1-1. خردورزی انتقادی

اساس روش در جامعه باز (چه در عرصه سیاست و چه فرهنگ و اخلاق و حتی حقوق و اقتصاد) خردورزی انتقادی است. انسان همیشه لغزش‌پذیر است و بنابراین همیشه باید در معرض نقد و انتقاد قرار گیرد. نظریه‌پرداز خطاکار خود به جهت نقشش در پیشرفت علم مورد احترام است ولی رأی و نظریه او بایستی در معرض حمله بی‌رحمانه و نقادانه دیگران قرار گیرد و در صورت عدم تحمل آزمون‌ها، حذف گردد. به بیان دیگر انقلاب‌های علمی باعث پیشرفت علم هستند بخلاف انقلاب‌های ایدئولوژیکی که به ندرت دفاع‌پذیرند. بنابراین شالوده تفکر جامعه باز بر انکار حتمیت و علیت علمی، تاریخی و... بوده و نظر تحمیل هر گونه جبر بر افراد انسانی را نفی می‌نماید.³ انسانها اشتباه می‌کنند ولی از اشتباه خود می‌توانند درس بگیرند. «پیشرفت» که از جمله اصول مولفه‌های فلسفه‌های دوره مدرنیسم است در اندیشه پوپر، بمعنای فرایند دائمی حل مساله و آزمون و خطا و حذف اشتباهات و عبرت‌گیری از آن و ایجاد سئوالات و مشکلات جدید

1. همان، ص 392

2. «جامعه باز و دشمنان آن»، ص 379.

3. «جامعه باز و دشمنان آن»، ص 1107، 1087، 1079، 1070.

است که هیچ گاه به غایت نمی رسد و این همه تصویر «خردورزی انتقادی» مورد نظر پوپر را برای ما روشن می سازد.¹

البته پوپر خردورزی خود را متفاوت از خردورزی عمومی و دیالکتیکی و انتقادی حلقه فرانگفورت می داند و آنرا به چارچوب گرایی، دشوار نویسی و مبهم گرایی و ناکارآمدی در اصلاح جامعه کنونی متهم می کند.²

2.1.1.1 شفاف گویی

زبان وسیله حضور در عالم بین الاذهان و قرار گرفتن در معرض انتقاد و ابطال عمومی، می باشد و برای تحقق این منظور، زبان بایستی سلیس و شفاف باشد و به همین خاطر پوپر مبهم گویی و کلی گویی و نیز تخصص گرایی را دشمن اصلی جوامع باز تلقی می نماید؛ زیرا به زعم او زبان مبهم مورد سوء استفاده حاکمیت ها و ابزار عوام فریبی قرار می گیرد.³

«متخصص ... زندانی تخصص خود است و آزادی از ... تخصص گرایها علم و عقلانیت را

امکان پذیر می سازد»⁴

3.1.1.1 تساهل و مدارا

لازمه خردورزی انتقادی و اینکه انسان عقلانیت را امر مشاع همگانی بداند و همیشه خود را لغزش پذیر تلقی کند اینست که انسان نسبت به آراء مخالف مدارا و تساهل بخرج دهد.

«من ممکن است بر خطا باشم و شما بر صواب؛ اما با بذل کوشش، ممکن است هر دوی ما

به حقیقت نزدیکتر شویم»⁵

1. «اسطوره چارچوب»، ص 35، 67-83

2. رک: همان، ص 152-156

3. همان، ص 1081، و نیز رک: «شناخت عینی، معرفت تکاملی»، ص؛ و نیز رک: «فلسفه و جامعه سیاست»، ص 186 - 185.

4. «اسطوره چارچوب»، ص 28

5. همان، ص 31 و نیز: «جامعه باز و دشمنان آن» ص 1061

4-1-1-1. دموکراسی منفی

لازمه دیگر روش حدس و ابطال و خردورزی انتقادی، دادن نقش حذفی به آحاد مردم است. پوپر کراراً معنای رایج از دموکراسی بمعنای حاکمیت مردم یا حکومت مردمی و نیز سؤال اساسی در نظام‌های سیاسی مبنی بر اینکه «چه کسی باید حکومت کند؟» را تخطئه نموده و آن را ناشی از اندیشه ذات‌گرایی و مرجعیت طلبی و تمامیت خواهی دانسته و سؤال «چگونه می‌توان حاکمیت و حاکم بد را بدون خشونت توسط مردم سرنگون ساخت؟» را بعنوان سوال اصلی فلسفه سیاسی ارائه می‌دهد. بنابراین نظام سیاسی جامعه باز لزوماً منطبق با نظام لیبرال دموکراسی رایج و مصطلح نیست.¹

بر طبق نظر او مردم نه ممکن است در حاکمیت نقش داشته باشند و نه می‌بایست که چنین باشد. چرا که فرمانفرمایی مطلق مردم ممکن است به «پارادکس دموکراسی» ختم شود و مردم حامی نظام توتالیتر و مستبد شوند. دموکراسی مثبت که بر نقش مردم در انتخابات و تثبیت حاکمیت تأکید می‌کند نمی‌تواند ملتزم به این خواسته مردم باشد. پوپر حکومت مردم (که ادعای نظام‌های پارلمانی و حزبی دموکراتیک است) را امری موهوم و عوام‌فریبانه می‌داند و تنها نقش‌آفرینی مردم را در روز انتخابات می‌داند (که آن را به رستاخیز و روز آشکار شدن سرائر حاکمان تشبیه می‌کند²). نشانه سیاسی جامعه باز این است که مردم بتوانند بدون خشونت و خونریزی حاکمان را سرنگون سازند.

5-1-1-1. ثنویت انتقادی بین طبیعت و تاریخ از یک سو و عرف و ارزش‌ها از سوی دیگر

از نشانه‌های جامعه بسته القاء یگانگی دستورات و ارزش‌های تحمیلی با روند ثابت و جبری طبیعت و تاریخ است. همان چیزی که پوپر از آن به «اصالت وحدت خام³» تعبیر نماید. در مقابل، در جامعه باز بر عرفی بودن قوانین (و البته نه به معنای نسبییت آنها) تأکید می‌شود.

البته پوپر نسبی‌گرایی تاریخی و فرهنگی به معنای تفاوت حقیقت نسبت به هر چارچوب فرهنگی و تاریخی را رد میکند -آنگونه که هگل و مارکس و ماکس شلر و... به آن معتقد بودند-

1. ر.ک: «شناخت عینی برداشت تکاملی»، ص 234.

2. ر.ک: جامعه باز و دشمنان آن، ص 302-305.

3. Naive monism

و آن را باعث ایجاد اسطوره چارچوب و انکار عقلانیت انتقادی و مانع مقایسه و ترجیح می داند و این علی رغم ادعای او در استحاله رسیدن به حقیقت است.¹

6.1-1-1. نفی هر گونه تقدس و مرجعیت طلبی (دینی، حکومتی، فلسفی و...)

با نقدپذیری و لغزش‌پذیری در همه امور بشری، دیگر جایی برای «توتم‌ها»² و «تابوهای خرافی»³ یا دینی باقی نمی ماند و همه چیز و همه کس بایستی در معرض نقد بین الازدهانی دیگران قرار گیرند و جزم‌گرایی به عنوان امری غیرعقلانی و غیرعلمی حذف خواهد شد.⁴

پوپر با تعریف «ایدئولوژی» به «هر نظریه یا اعتقاد یا جهان بینی غیر علمی قابل توجه و علاقه مردم و دانشمندان» آنرا از موانع مهم بر سر راه پیشرفت و عقلانیت بر شمرد.⁵

7.1-1-1. امکان رقابت افراد و احزاب برای ارتقاء و کسب جایگاه اجتماعی - سیاسی برتر

هر چند پوپر مخالف نظام حزبی و پارلمانی است اما لازمه جامعه باز را متغیر بودن و متحول بودن جایگاه‌ها بر اساس قابلیت‌ها و تلاش‌های آنها می داند. بخلاف نظام اندام‌وار در جامعه بسته، جامعه باز «جامعه‌ای انتزاعی»⁶ و دارای سیر نزولی در محوریت بخشی و اهمیت دادن به «کیفیات شخصی» در بین این افراد است به این معنا که ارتباطات بیشتر در نظام اداری و حزبی محقق می‌شود تا در روابط شخصی و به همین خاطر پوپر پیشنهاد ایجاد مجموعه‌هایی با اهداف خاص فرهنگی و سیاسی را می‌دهد که افراد به میل خود به عضویت در آن در آمده و دولت نیز بتواند در راستای حفظ مصالح نظام لیبرال دموکراسی بر آنها نظارت نماید.⁷

1. رک: «اسطوره چارچوب» ص 106-102 و نیز رک «جامعه باز و دشمنان آن» ص 112-109

2. (totem) نمادهایی در قبیله که به زعم ایشان این نمادها از قبیله حمایت می کند (رک: حسین توفیقی، نگاهی با ادیان زنده جهان» قم، چاپ اول، نشر مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواران، 1377، ص 22)

3. (taboos) محرمات و مقدسات غیر قابل تغییر و خدشه یک قبیله (رک: همان)

4. رک: «جامعه باز و دشمنان آن»، ص 389 - 378، 107.

5. رک: «اسطوره چارچوب»، ص 70-68

8-1-1-1. تفرد و اصالت بخشی به فرد^۱

در جامعه باز، هر گونه جزم‌گرایی یا تمامیت‌خواهی ناشی از اصالت جمع و کل و اصالت^۲ تاریخ و اصالت جامعه‌شناسی^۳ و اصالت روان‌شناسی^۴ مطرود می‌باشد. هیچ وجه جامعی بین افراد انسانی که ضامن یکسان‌اندیشی و یکنواختی ایشان در عمل و عکس‌العمل اجتماعی باشد، وجود ندارد. در بحث آزادی و حقوق و اخلاق نیز آزادی لیبرالیستی و حقوق افراد و نیز خاستگاه دیگرخواهی انسان‌ها (البته تا زمانی که با اصول کلی لیبرالیسم در تعارض نباشد) مبتنی بر اصالت فرد خواهد بود. پوپر متأثر از اندیشمندانی چون پریکلس و کانت، عامل اصلی توجیه‌کننده تساوی افراد در برابر قانون و امکانات رفاهی دولت را همین اصالت فرد انسانی می‌داند. بنابراین پوپر نهادها و سنت‌های جامعه باز را براساس همین اصالت فرد تبیین می‌نماید.^۵

9-1-1-1. اندیشه جهان‌میهنی در عین قبول تضارب و اختلاف فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها

پوپر با غیرعقلانی خواندن هر گونه ممانعت در برابر حملات انتقادی، چنین رفتاری را زائیده دگم‌گرایی و عدم خردورزی می‌داند. برتری طلبی براساس ملیت، نژاد، زبان و... هم مانع از انتقادپذیری گشته و در عرصه عمل نیز مستلزم تضييع حقوق اقلیت‌ها و نوعی تمامیت‌خواهی و

1. ر.ک: «جامعه باز و دشمنان آن»، ص 1245، 1134، 451، 277 - 276.

2. (Historicism) مکتب فکری امثال ویکو، پردر، میشله، سن سیمون، کنت و هگل و مارکس و آرنولد توین بی که پوپر آنرا «روش علمی کاذبی برای وصول به دانش عینی دانستند که در آن پایه را بر تعمیم استقرایی از واقعیت‌های تاریخی قرار می‌دهند» بنابراین روش تاریخگرایی به زعم پوپر مطلقاً تجربه‌گرایانه است و ثانیاً تاریخ دقیقاً قابل پیش‌بینی است. (ر.ک: محمد علی همایون کاتوزیان. «کارل پوپر و فقر تاریخگرایی» مجله کیان، شماره 22، سال چهارم، آبان - دی 73، ص 44)

3. Psychologism (مکتب افرادی چون آدلر و فروید که بر طبق آن مسیر تاریخ و جامعه باز شناخت انگیزه‌های روحی روانی بشری قابل تبیین است).

ر.ک: همان، صص 149، 142، 133 و 25 و نیز: ر.ک: جستجوی همچنان باقی، صص 101 - 88 و نیز ر.ک: «جامعه باز و دشمنان آن»، ص 1044، 885

4. مکتب افرادی چون شلر و مانهایم که بر طبق آن شناخت علمی تابع موجیبت اجتماعی است.

5. ر.ک: «جامعه باز و دشمنان آن»، ص 1158.

انکار تساوی در برابر قانون و خرد می گردد. علت عمده مخالفت پوپر با ناسیونالیسم و ایدئولوژی دولت تک ملیتی نیز همین نکته است.¹

1-1-1-10. جهنم نسازید، بهشتتان ارزانی خودتان! «مهندسی اجتماعی گام به گام»

پوپر، لازمه تفکر توتالیتار و تمامیت خواه در جامعه بسته را، دادن وعده سرخرمن، می داند. چنین تفکری بجای تلاش برای رفع رنج و آلام مردم، مردم را تحت فشار و تعقیب قرار داده و آزادی های مشروع آنها را نادیده گرفته و اظهار نظر مردم را توطئه علیه حاکمیت و مانع بزرگ در راه رسیدن به مدینه فاضله قلمداد می کند و مخالفت مردم را منافی مهندسی اجتماعی تمامیت خواه و ناکجاآباد خود تلقی نموده و بشدت سرکوب می نماید. پوپر به دلایل ذیل، مهندسی اجتماعی تمامیت خواه و ناکجا آبادی برخاسته از اعتقاد به ساختن مدینه فاضله را طرد می کند:

الف. مستلزم آرمان اجتماعی یکتا و لایتغیر است که نمی تواند در شرایط اجتماعی و محیطی متفاوت راهگشا باشد.

ب. وجود اختلافات عمیق بین افراد و مکاتب مدعی چنین آرمان شهرهایی و نیز اختلافات در مهندسی چنین اصلاحاتی خود نشان دهنده کذب ادعاهای توخالی این مکاتب است.

ج. سوءاستفاده صاحبان قدرت برای تمامیت خواهی و سرکوب مخالفان از حربه ساختن مدینه فاضله رؤیایی.

د. عدم احاطه علمی بشر به تمام جوانب زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... و بنابراین عجز او از انجام چنین مهندسی فراگیر و مطلق در ساختن اتوپیایی زمینی.

هـ. چنین تفکری مستلزم فدا کردن نسل فعلی به امید خیر و بهشت موهوم آینده است و نیز باعث ایجاد شوق و امید موهوم در جامعه می شود.

و. چنین تفکری باعث زوال ارزش ها و سنت ها می شود و نیز رافع مسئولیت پذیری انسانها در مواجهه با مشکلات و رفع نواقص و آلام خواهد گردید.²

1. ر.ک: سخنرانی کارل پوپر، «فلسفه و جامعه و سیاست»، گزیده و ترجمه عزتاله فولادوند، ص 168؛ و نیز ر.ک: «جامعه باز و دشمنان آن»، ص 503 - 505.

2. ر.ک: اندیشه سیاسی کارل پوپر، ص 62، 66؛ و نیز ر.ک: جامعه باز و دشمنان آن، ص 356، ص 22

اما در مقابل، تفکر جامعه باز معطوف به مشکلات موجود توده مردم است و با اصلاحات تدریجی و گام به گام و با عبرت‌آموزی از خطاهای گذشته در پی کاهش آلام مردم می‌باشد در چنین منفعت‌گرایی منفی^۱، داشتن تفکر اتویپایی به خاطر تمامیت خواهی و بالتبع خشونت‌طلبی و انقلابی‌گری طرد می‌شود.^۲

1.1.1.1. تأکید بر مسئولیت‌پذیری اخلاقی

داشتن نگاه عقلانی و قبول امکان لغزش در افکار و رفتار، خود باعث قبول انتقاد از دیگران و عدم دشمن‌انگاری دیگران می‌شود و چنین تفکری باعث ایجاد احساس علاقه نسبت به تمام ابناء بشر گشته و از دو جهت به مسئولیت‌پذیری اخلاقی منجر می‌گردد:

الف. به حداقل رساندن آسیب و ضرر به دیگران.

ب. قبول آراء انتقادی دیگران و سعی در اصلاح خود.^۳

1.1.1.2. وجود نهادهای اجتماعی حافظ آزادی اندیشه و نقد

پوپر لازمه اعمال روش نقدی را حذف و رد فلسفه‌های مخالف اصلاح‌گری دموکراتیک و حامی توتالیتاریسم دانسته و بر وجود نهاد های اجتماعی برخاسته از سنت های اومانیستی و لیبرالیستی که حافظ آزادی بیان باشد، تأکید می‌ورزد.^۴

1.1.2. مؤلفه‌های جامعه بسته

در مقابل جامعه باز، جامعه بسته با مؤلفه‌های متعارض با مؤلفه‌های جامعه باز قرار دارد. نفی انتقاد‌پذیری و گرایش به دگم‌گرایی و داشتن مسلک غیرعقلانی یا عقلانی غیرنقدی،^۵ تمامیت خواهی،^۶ اعتقاد به مرجعیت‌طلبی و اقتدارگرایی با هر ملاکی از جمله قوم و نژاد و یا طبقه برگزیده

1. negative utilitarianism

2. ر.ک: «حس‌ها و ابطال‌ها»، ص 160.

3. ر.ک: «جامعه باز و دشمنان آن»، ص 1079.

4. ر.ک: «جامعه باز و دشمنان آن»، ص 1080 و 18.

5. «جامعه باز و دشمنان آن»، ص 1070، 378.

6. همان، ص 736؛ و نیز جامعه باز پوپر پس از پنجاه سال، مقاله فرد آیدلین، ص 354.

و به تبع آن ایجاد نوعی مرز کاذب و احساس دشمنی با غیر قوم و نژاد و طبقه خود، چنانچه که در ناسیونالیسم هگلی و مارکسیسم طبقه‌گرا و نازیستم نژادگرا شاهد آن هستیم؛ همگی از مولفه‌های جامعه بسته می باشند. لازمه این اندیشه تمایل به جنگ (چنانچه در اندیشه هگل شاهد آن هستیم) و یا انقلاب و تغییرات کلی بنیادین (چنانچه در تفکر مارکس می‌بینیم) می‌باشد. از مولفه‌های دیگر جامعه بسته این است که فرد یا افرادی خود را مصون از خطا دانسته و خود را مستحق اطاعت کامل می‌داند،^۲ مولفه‌های دیگر جامعه بسته عبارتند از: مهندسی اجتماعی تمامیت خواه ناکجا آبادی،^۳ قبول نوعی جبر طبیعی یا روانی یا تاریخی حاکم بر نظام اجتماعی و سلب مسئولیت از افراد،^۴ اعتقاد به تابوهای جادویی و نیز نقدناپذیر و احساس تقدس در فرد یا قانون یا گزاره‌ای خاص و ...^۵

«راه درست و بحق [از پیش در جامعه بسته] تعیین شده است منتها... این راه را تابوها معین کرده‌اند آن هم به وسیله نهادهای جادویی قبیله‌ای که هرگز ممکن نیست مورد سنجش انتقادی قرار گیرند... نهادها... عرصه‌ای برای مسئولیت شخصی باقی نمی‌گذارند.»^۶

مولفه و نشانه‌های دیگر جامعه بسته عبارتند از: اعتقاد به اصالت جمع،^۷ نوعی «انداموارگی»^۸ در تعاملات اجتماعی و احساس نوعی اشتراک و همقطاری در جامعه،^۹ قبول نوعی ذات‌گرایی و سیطره اصالت ماهیت یا اصالت تاریخ بر اندیشه و رفتار بشری و تحمیل معیارهای ثابت و کلی

1 . ر.ک: «جامعه باز و دشمنان آن» ص، 7 - 842، 739 - 738، 448، 30.

2 . ر.ک: جامعه باز و دشمنان آن، ص 1134.

3 . همان

4 . ر.ک: شناخت عینی و برداشت تکاملی، ص 246؛ و نیز ر.ک: جامعه باز و دشمنان آن، ص 1160، 880 - 876، 103 -

101؛ و نیز ر.ک: اندیشه سیاسی کارل پوپر، ص 59؛ و نیز ر.ک: حدس‌ها و ابطال‌ها، ص 430.

5 . ر.ک: جامعه باز و دشمنان آن، ص 378، 144.

6 . جامعه باز و دشمنان آن، ص 378.

7 . همان، ص 379، 29.

8 . organie theory

9 . همان، ص 593، 541، 380.

برای ارزش‌های اخلاقی و حقوقی و هنری^۱ و کم‌رنگ کردن نقش مردم و تأکید بر نقش رهبران بزرگ در تحلیل تحولات سیاسی^۲.

سنت‌ها، هم در مهندسی اجتماعی جامعه باز حائز اهمیت هستند و هم در مهندسی ناکجا آبادی جامعه بسته اما در جامعه باز سنت‌ها ضمن اصلاح‌طلبی، شالوده‌بنیادهای اجتماعی خردگرا و انتقادپذیر بوده و نقش واسطه بین اشخاص و نهادها ایفا می‌نمایند.^۳ بنابراین سنت‌های فردگرا، با بی‌توجهی و کم‌اعتمادی به گذشته به خاطر عدم احاطه کامل به همه جوانب و عوامل حوادث گذشته، با نگاهی محتاطانه و انتقادی، به عبرت‌گیری از گذشته پرداخته و نهادهای اجتماعی را می‌سازند اما در مهندسی‌های اجتماعی جامعه بسته، بررسی و مطالعه گذشته‌ی نهادهای و تاریخ، برای تحصیل قوانین حتمی و جبری و تحمیل آن بر فرایندهای اجتماعی آینده مورد توجه است.^۴

بنابراین پوپر با ارائه نظریه اصلاحات تدریجی و حفظ چارچوب موجود به لیبرالیست‌های محافظه کار نزدیک می‌شود.

1. ر.ک: اندیشه سیاسی کارل پوپر، ص 60.

2. جامعه باز و دشمنان آن، ص 29.

3. ر.ک: جامعه باز و دشمنان آن، ص 472.

4. ر.ک: همان، ص 854، 858، 52، 22.